



در مارس ۲۰۱۷ مجموعه مقالاتی تحت عنوان «کمون روژاوا: آلترناتیو گردها برای دولت-ملت»^۱ به زبان فرانسوی توسط انتشارات Syllepse در پاریس منتشر شد. این کتاب شامل چندین مقاله است که از نویسندگان مطرح آن می‌توان به جان هالووی، عبدالله اوجالان، میشل لووی، دیوید گرابر، والرشتاین

¹ L'alternative kurde à l'Etat-nation: La commune de Rojava.

و... اشاره کرد. مقدمه کتاب مذکور به قلم میشل لووی نگاشته شده است. متن حاضر ترجمه این مقدمه از انگلیسی به فارسی است. ویراست فرانسوی متن را دیوید برودر از فرانسه به انگلیسی ترجمه کرده است.

آگاه شدن افکار عمومی غربی از وجود روژئاوا به نبرد کوبانی در سال ۲۰۱۴ برمی گردد؛ آن زمان که مبارزان YPG-YPJ موفق به انجام کاری شدند که ارتش رژیم اسد یا دولت عراق با وجود پشتیبانی روسیه و آمریکا نتوانستند انجام دهند: به بیانی دیگر آنها شکست‌های نظامی و سیاسی بر داعش وارد کردند. عکس‌های زنان پیش‌مرگ‌گرد، اسلحه در دست، در خط مقدم نبرد علیه فاشیسم داعش، در سراسر جهان منتشر شده‌اند. این تصاویر تجربه‌ای بی‌نظیر را برای نظاره‌گران متحیر و متعجب آشکار کرد: تجربه روژئاوای آزادیخواه.

آنچه این انقلابیون در استان‌های شمالی سوریه در تلاش برای انجام آن هستند بی‌سابقه بوده است. آن‌ها از راه خودسازماندهی از پایین اجتماعات در تلاش برای دوباره جمع کردن جمعیت گُردها، عرب‌ها، سوریه‌ای‌ها و ایزدی‌ها در یک اتحاد سکولار در بحبوحه‌ی فرقه‌گرایی مذهبی و کینه‌های ناسیونالیستی هستند. این مبارزان، پروژه‌های فمینیسم و محیط‌زیست را در قلب پروژه‌های ضد سرمایه‌دارانه، ضد پدربسالارانه و ضد دولت‌محور قرار دادند. برای پیش‌بردن برابری میان زن و مرد، همه‌ی افراد در گرفتن تصمیم‌ها مشارکت می‌کنند و به میزان مشخصی نیروی مسلح ترکیبی از زنان است. بدین‌گونه ایجادِ شکلی از قدرت سیاسی دموکراتیک و غیرمتمرکز، مبتنی بر اجتماعات همگانی و رفتن به فراسوی دولت همان کنفدرالیسم دموکراتیک است. این تجربه‌ی بی‌نظیر در میانه شرایطی دراماتیک خلق شد: یک مواجهه‌ی پایدار با نیروهای ارتجاعی کینه‌توز و قدرتمند. در منطقه‌ای از جهان که توسط تعصب مذهبی، کشمکش‌های

بنیان برافکن در میان ناسیونالیست‌ها، خشونت کورکورانه، جنگ بین طایفه‌ها - که هر کدام از آن‌ها بیشتر از گذشته مرتجع بودند- از هم گسیخته شده بود، در لحظه‌ای که مداخله‌ی قدرت‌های امپریالیستی و هژمونی سرمایه‌داری در بی‌رحم‌ترین شکل ممکن بود، روزثاوا‌ی آزادیخواه به‌عنوان شعله‌ای کوچک از یوتوپیا، بارقه‌ای از امید، مأمنی برای دموکراسی پدیدار گشت. روزثاوا‌ی آزادیخواه در هیچ‌کجای دیگر از دنیا معادل ندارد. تنها قابل مقایسه با ابتکار جماعت‌های زاپاتیست‌ها در چیاپاس است. آن‌ها هم یک دموکراسی مستقیم بنا کردند، یک خودسازماندهی مردمی که دولت و منطق سرمایه‌دارانه را بر نمی‌تابید و برای برابری زنان و مردان مبارزه می‌کرد. یکی از پیوستگی‌های میان زاپاتیست‌ها و روزثاوا این است که هرکدام از آن‌ها حامل آینده‌ای هستند که در اکنون خلق می‌شود، در حالی که در برخی موارد با هم متفاوت‌اند. یکی از این تفاوت‌های آشکار میان این دو تجربه، مسلح‌نشدن زاپاتیست‌ها در آن

دقیقه‌ی تاریخی بود. انتخابی که برای گردهای انقلابی غیر ممکن بود. گردها اگر می‌خواستند زنده بمانند، ناچار به مسلح شدن برای دفاع از خود بودند.

مبارزه‌ی روژناوا برای ما هم مهم است. این مبارزه برای دوست-داران محیط‌زیست، فمینیست‌ها، مارکسیست‌ها، آزادی‌خواهان، برای ضدیت با وضع موجود و ایستادگی در برابر فاشیسم در سراسر جهان مهم است. مسئولیت ما، حمایت ما، هم‌دردی ما برای تداوم این مبارزه ضروری است. این موضوعی بشردوستانه نیست، که فقط مربوط به آینده‌ی سوریه یا خاورمیانه باشد، بلکه یک مسئله‌ی سیاسی بسیار مهم است.

بدون شک، عدالتی مانند این تجربه‌ی راستین - که صرفاً ادبی نیست - معمولاً همراه با مشکلات و تناقض‌هایی از سرگذرانده می‌شود. چگونه می‌توان ضداقتدراگرابودن را با پرستشِ هاله‌ی پیرامون شخصیت او جلان آستی داد؟ یکی از این واقعیت‌ها، این مسئله است. حتی ما باید اعتراف کنیم که اعمال قدرت

توسط بنیان گذار PKK صورت می پذیرد. کسی که تقریباً بیست را در زندان می گذراند. اما عقلانی و اخلاقی این است که تصمیم ها بواسطه ساختار دموکراتیک خود جنبش گرفته شوند. چگونه ممکن است در یک جنگ بی رحمانه با مخالفان بود و همچنین حقوق بشر و مردم غیرنظامی را محترم شمارد؟ عفو عمومی بین المللی، YPG-YPJ را متهم می کند که دارای فرمی از پراکتیس هستند که منتهی به پاکسازی قومی در روستاهای عرب نشین شده است. در مصاحبه های انتشار شده، دبیر کل PYD صالح مسلم، این اتهامات را تکذیب می کند و از روزنامه نگارهای خارجی برای تصدیق این ادعاها به این ناحیه دعوت می کند. در نهایت تمام آنچه که باید گفت این است که حمایت ما بایستی براساس همبستگی باشد اما نه به گونه ای غیرانتقادی.

روژئاوای آزادیخواه تجربه ای شکننده است و این خطر بزرگی است. روژئاوا توسط دشمنان قدرتمند احاطه شده است که

Salih Muslim.¹

رویای شکست و تخریب آن را دارند. فاشیسم بسیار نزدیک است: داعش، دشمنی تندخو و نانسانی؛ رژیم اقتدارطلب و فاشیستی در حال رشد اردوغان در ترکیه که کردها را دشمن اصلی خود می‌داند و رژیم اسد که حاضر به پذیرفتن آتش‌بس موقت است، اما قصد مدارا با خودمختاری دموکراتیک روژئاوا را ندارد. اپوزیسیون رژیم اسد می‌توانند باهم متحد باشند اما برای یک لحظه حاضر نیستند حقوق اقلیت کردها در سوریه را بازشناسند.

دگرگونی فرهنگی انقلابی در جنبش کردها - تغییر آیهٔ مقدس - توسط PKK شگفت‌آور است. در واقع فمینیسم نسبت به جنبش‌های آزادی‌خواه گذشته، مکان مهم و مرکزی‌ای را در برگرفته است. بعنوان مثال در نوشته‌های دیلار دیریک¹ فمینیسم برای PKK فقط هدف نیست، بلکه یک روش در پروسهٔ آزادی است. این گزینه سیاسی بر پایهٔ یک تفکر انسان‌شناختی برپا شده است که برابری را بر پایهٔ زندگی در گذشته‌های دور - زمان قبل از

¹ Dilar Dirik.

پدر سالاری- تعریف می‌کند (فریدریش انگلس در منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، مسئله مشابهی را صورت-بندی می‌کند). همچنین همکاری فدیل یلدریم^۱ در این سند ارزشمند تصویری فمینیستی از تاریخ است. این امر بازگشت به گذشته‌های دور، به عصر مدارسالاری نیست، بلکه ترسیم شکلی الهام‌بخش به منظور نقد پدرسالاری و سرمایه‌داری است و این به معنای نشانه رفتن به سوی آینده‌ای رها از سلطه است. در اینجا ما نیز همچون ویلیام مور و ارنست بلوخ، دل‌مشغول یک فرهنگ انقلابی رمانتیک در ناب‌ترین شکل آن هستیم.

کشف نوشته‌های آزادی‌خواه آمریکایی مورای بوکچین^۲ (مبارز سوسیالیسم زیست محیطی و شهری) توسط اوجالان، لحظه‌ای حیاتی در گردش PKK بود. مصاحبه با جانت بیل^۳ همسر بوکچین در بیست سال آخر زندگی، نشان می‌دهد که این دو انقلابی {بوکچین و اوجالان} با هم گفتگو داشته‌اند. البته تمامی

Fadile Yildirim.^۱

[Murray Bookchin](#).^۲

. Janet Biehl^۳

این مسائل در مورد این ره‌یافت، یعنی برپاکردن اجتماعات محلی - چه در مورد بوکچین باشد یا کنفدرالیسم دموکراتیک PKK - آشکار نیست. ما چگونه می‌توانیم این مقیاس محلی را به مدیریت منطقه‌ای یا کشوری به گونه‌ای دموکراتیک انتقال بدهیم؟ (هماهنگی میان اجتماعات به این سادگی نیست). بدون شک این مسائل راه‌حل خودشان را از طریق شیوه‌هایی از پراکتیس خاص خود در این بستر پیدا خواهند کرد که در هر مورد، مخالف با خواست هر دولت قدرتمندی است. ما اکنون می‌دانیم دولتی که توسط استالینیسم در قرن بیستم ترویج داده شد با چه مصیبت‌های فاجعه‌باری همراه بود.

این کتاب مجموعه‌ای گردآوری شده از شرح و تحلیل‌های مبارزان گُرد، تفسیرهایی از روزنامه‌نگارهای دلسوز، تشریح‌ها و تفسیرهایی از اندیشمندان وابسته به جریان آزادی‌خواهی معاصر همچون انسان‌شناس دیوید گرابر^۱ و جان هالووی^۲ است. این

David Graeber.^۱
John Holloway.^۲

واقعاً قابل ستایش است که برای پیش‌روان این تجربه، فضایی برای گفتن خلق شده است و این ثابت می‌کند که جنبش آزادی‌بخش‌گردها، بدون سرزمین با وجود فراز و نشیب‌ها در مسیر مشکلات و محدودیت‌ها، سهم عمده‌ای در بازنگری ایده و عمل‌رهایی‌بخش دارد. ما همچنین باید در مورد جایگاه زیست‌محیط در روژئاوا یا نقش پلورالیسم سیاسی در کنفدرالیسم دموکراتیک بیشتر بدانیم. در عین حال ما ادعا نمی‌کنیم که این کتاب دربردارنده تمام جزئیات است با این وجود مدخلی با ارزش برای فهم روژئاوای آزادیخواه است.

میشل لووی

مارس ۲۰۱۲ - پاریس

این متن ترجمه‌ای است از:

<https://www.versobooks.com/blogs/>

[-libertarian-kurdistan-it-matters-for-us-too](#)

11
